

از چارچوب ترجمه کتاب مقدس تا تحلیل قرآنی؛ بسط‌های واژگانی و نحوی نایدا و تیبیر در سه ترجمه فارسی سوره قیامت

آمنه یاری^{۱*}، بهاره لطف‌الهی^۲

۱- استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۲

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰

چکیده

ترجمه قرآن، به دلیل ساختارها و ویژگی‌های زبانی منحصر به فرد، همواره چالش‌هایی را در حفظ هم‌زمان معنا و فرم ایجاد کرده است. زبان بلاغی، پیچیدگی‌های مفهومی و مفاهیم دینی عمیق قرآن، انتقال دقیق پیام و حفظ ویژگی‌های ساختاری آن را برای مترجمان دشوار ساخته است. نایدا و تیبیر، در چارچوب نظریه خود درباره ترجمه کتاب مقدس، دو نوع بسط را به عنوان تعدیل‌های ترجمه معرفی کرده‌اند: بسط واژگانی و بسط نحوی. این پژوهش، با استفاده از این چارچوب و روش توصیفی-تحلیلی، این بسط‌ها را در سه ترجمه فارسی سوره قیامت (فولادوند، انصاریان و الهی قمشه‌ای) بررسی نموده است. انتخاب این سوره به دلیل ساختارهای زبانی پیچیده، محتوای معادشناختی عمیق و چالش‌های خاص ترجمه آن صورت گرفته است. نتایج جستار حاضر نشان داد که مترجمان قرآن از الگوی بسط معرفی شده بهره برده‌اند، اما میزان و نحوه استفاده از آن متفاوت است. در بسط‌های واژگانی، بیشتر به معادل‌سازی توصیفی و ساختاربندی مجدد معنایی روی آوردند و در بسط‌های نحوی، که سهم بیشتری در ترجمه‌ها داشته‌اند، تفاوت‌های قابل توجهی در استفاده از بسط «شناسایی مفعول و فعل با معنای انتزاعی» در ترجمه‌ها مشاهده شد. قمشه‌ای با رویکردی آزاد، بیشترین و فولادوند با رویکردی محتاطانه، کمترین میزان بسط را به کار گرفته‌اند و انصاریان رویکردی میانه را نشان داد. استفاده گسترده از بسط «ساختاربندی مجدد معنایی» را می‌توان به دانش مترجمان از تفاسیر و منابع اسلامی نسبت داد.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن، نایدا و تیبیر، بسط واژگانی، بسط نحوی، سوره قیامت

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

ترجمه متون مذهبی، به‌ویژه قرآن کریم، یکی از پیچیده‌ترین حوزه‌های مطالعات ترجمه به شمار می‌آید. این پیچیدگی، ناشی از ویژگی‌های زبانی، بلاغی و سبکی منحصر به فرد قرآن می‌باشد که انتقال دقیق آن‌ها به زبان مقصد را با چالش‌های متعددی مواجه می‌سازد. در این میان، تعامل پیچیده میان لایه‌های معنایی و ساختارهای نحوی، مستلزم رویکردی جامع و روش‌شناسانه در فرآیند ترجمه است. این مسئله به‌ویژه در مواجهه با مفاهیم انتزاعی و پیچیده اهمیت می‌یابد؛ زیرا یافتن معادل‌های مناسب برای چنین مفاهیمی، نیازمند تسلط همزمان بر نظام‌های زبانی مبدأ و مقصد و همچنین درک عمیق مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی متن قرآنی است.

چالش میان فرم و معنا در ترجمه، همواره یکی از مسائل اساسی مترجمان بوده است و در ترجمه قرآن، که ویژگی‌های خاصی از نظر سبک و معنا دارد، این چالش پیچیده‌تر می‌شود. ویژگی‌های بلاغی زبان عربی که در ساختار جمله و انتخاب واژه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، نه تنها تأثیرات قابل توجهی در فرم و ساختار متن ایجاد می‌کند، بلکه بر انتقال معنای دقیق و روشن نیز تأثیر می‌گذارد. این ویژگی‌ها در مواجهه با زبان فارسی، که از ساختار و قواعد نحوی متفاوتی برخوردار است، چالش‌هایی پیش روی مترجم قرار می‌دهد که برای رفع آن‌ها، راهکارهای خاصی لازم است. در این راستا، در ترجمه قرآن، که از یک سو متنی الهی با ویژگی‌های خاص زبانی و معنایی است و از سوی دیگر نیاز به دقت در انتقال دقیق مفاهیم به زبان مقصد دارد، این فرآیند، حساسیت و پیچیدگی بیشتری می‌یابد.

در جهت مقابله با این چالش‌ها، نایدا و تیر (۲۰۰۳)، نظریه معادل‌یابی پویا را مطرح می‌کنند که بر اساس آن، مترجم می‌بایست تعدیل‌های معنایی و ساختاری در ترجمه به‌کار گیرد تا معادل‌های پویا و قابل فهمی برای مخاطب زبان مقصد ایجاد کند. این رویکرد بر ایجاد معادل‌هایی تأکید دارد که بتواند تأثیری مشابه تأثیر متن اصلی، بر خواننده خود و بر مخاطب هدف بگذارد. در این چارچوب، راهبردهای بسط معرفتی شده توسط آن‌ها

می‌تواند ابزاری مؤثر برای حفظ تعادل میان وفاداری به متن اصلی و انتقال مفاهیم پیچیده به زبان مقصد باشد.

ضرورت انجام پژوهش حاضر از آنجا ناشی می‌شود که با وجود تحقیقات وسیع در زمینه ترجمه قرآن، تاکنون هیچ مطالعه‌ای به‌طور جامع و نظام‌مند به تحلیل راهبردهای بسط در ترجمه سوره قیامت نپرداخته است. این سوره به‌دلیل دارا بودن مفاهیم عمیق معادشناختی و ساختار زبانی خاص خود، نمونه‌ای مناسب برای بررسی این راهبردها به‌شمار می‌آید. علاوه بر این، یکی دیگر از جنبه‌های نوآورانه این تحقیق، به‌کارگیری این رویکرد در ترجمه فارسی آیات قرآن است؛ زیرا این مدل اساساً در ترجمه کتاب مقدس مطرح شده و مطالعات مشابه عمدتاً در زبان‌های انگلیسی و دیگر زبان‌های اروپایی انجام شده است. بنابراین، این پژوهش می‌تواند گامی مؤثر در گسترش این نظریه در حوزه مطالعات ترجمه باشد.

۱-۲- سؤالات پژوهش

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

۱. با تحلیل کمی و کیفی سه ترجمه منتخب سوره قیامت، چه الگوهایی در فراوانی و انواع راهبردهای بسط واژگانی و نحوی مشاهده می‌شود؟
 ۲. چه ارتباطی بین رویکردهای ترجمه‌ای مترجمان و انواع بسط‌های واژگانی و نحوی به کار رفته در آن‌ها وجود دارد؟
 ۳. از میان گونه‌های مختلف بسط در مدل نایدا و تیبر، کدامیک در انتقال لایه‌های معنایی سوره قیامت کارآمدتر بوده‌اند؟
- این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب نظریه تعدیل نایدا، به بررسی راهبردهای بسط‌های واژگانی و نحوی در سه ترجمه فارسی معاصر (انصاریان، فولادوند، و قمشه‌ای) از سوره قیامت می‌پردازد. انتخاب این سه ترجمه بر اساس جایگاه علمی مترجمان و گستره تأثیرگذاری آثارشان در جامعه فارسی‌زبان صورت گرفته است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

تعدیل‌های ترجمه به‌عنوان یکی از موضوعات مهم در مطالعات ترجمه، با تحقیقات پیشگامانه نایدا آغاز شد. وی در مطالعات خود بر روی ترجمه کتاب مقدس، برای نخستین بار چارچوبی نظام‌مند برای تحلیل تعدیل‌های ترجمه ارائه کرد که بعدها با همکاری تیر (۲۰۰۳)، گسترش یافت. آن‌ها در این چارچوب، بسط را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین انواع تعدیل معرفی کردند. عبدالرئوف (۲۰۰۱)، در مطالعه جامع خود بر روی ترجمه‌های قرآن، نشان داد که تعدیل‌های معنایی و به‌ویژه بسط، نقشی کلیدی در انتقال مفاهیم قرآنی به زبان‌های دیگر دارد. وی با بررسی «انواع بسط در ترجمه‌های انگلیسی قرآن» به این نتیجه رسید که بسط‌های واژگانی و نحوی، به‌ویژه در انتقال مفاهیم انتزاعی و استعاره‌ای قرآن، نقشی تعیین‌کننده دارند. سجادی و منافی اناری (۲۰۰۸) نیز، در مطالعه خود بر روی ترجمه افعال مادی و ذهنی در قرآن، دریافتند که بسط‌های واژگانی و نحوی، پرکاربردترین راهبرد در انتقال این افعال به زبان فارسی هستند.

داودی (۲۰۱۵)، در بررسی حذف مفعول مستقیم ضمینی در ترجمه‌های قرآن، نشان داد که مترجمان برای جبران این حذف‌ها، عمدتاً از راهبرد بسط استفاده می‌کنند. این پژوهش که با تمرکز بر مدل نایدا انجام شده، اهمیت بسط را در شفاف‌سازی ساختارهای حذف شده، نشان می‌دهد.

جَبک (۲۰۲۰)، در پژوهش خود به بررسی کاربردپذیری نظریه نایدا در ترجمه انگلیسی سوره شمس پرداخته است. تمرکز اصلی این پژوهش بر دو محور استوار است: نخست، نظریه معادل پویای نایدا که هدف آن ایجاد تأثیری معادل بر مخاطب زبان مقصد است و دوم، مراحل سه‌گانه ترجمه (تحلیل متن مبدأ، انتقال و بازسازی متن مقصد). وجه تمایز این پژوهش در بررسی این مفاهیم از طریق جنبه‌های متنی و پیرامونی (پیشگفتار و پیراستار و پانویست‌های مترجم) متن ترجمه شده است.

یاری و زندیان (۲۰۲۱)، در مطالعه خود بر روی سه ترجمه انگلیسی از سوره ذاریات بر اساس رویکرد تعدیلی نایدا و تیر، نشان دادند که بیشترین میزان تعدیل‌ها مربوط به

بسط واژگانی بوده، که در این میان بسط توصیفی، بالاترین بسامد را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، میزان تعدیل‌های ساختاری، میزان کمتری را نشان می‌داد. در نهایت، مشخص شد که مترجمان، تنها در مواردی که با مفاهیم انتزاعی و یا مبهم روبرو بوده‌اند، تعدیل‌هایی را در متن ایجاد کرده‌اند و در سایر موارد به واسطه حساسیت متن قرآن، به معنا و ساختار آن وفادار بوده‌اند.

مرور پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که علیرغم مطالعات متعدد در زمینه تعدیل‌های ترجمه قرآن، تاکنون پژوهشی نظام‌مند به بررسی بسط‌های واژگانی و نحوی در ترجمه‌های فارسی قرآن نپرداخته است. همچنین، بیشتر پژوهش‌های موجود یا به جنبه‌های کیفی توجه کرده‌اند یا صرفاً به تحلیل‌های کمی پرداخته‌اند و همانطور که هاشمی (۱۴۰۰) بیان می‌کند، با اینکه اغلب این مطالعات، نظریه‌نایدا را مبنای نقد خود قرار داده‌اند، نقد در مسیری متفاوت از این چارچوب حرکت کرده است. لذا خلأ پژوهشی در زمینه مطالعات ترکیبی که بتواند هر دو جنبه کیفی و کمی را پوشش دهد، مشهود است.

۲- چارچوب نظری

پژوهش حاضر از چارچوب نظری یوجین نایدا و چارلز تیر (۲۰۰۳) بهره می‌گیرد. بسط‌های به‌کار رفته در این مطالعه در واقع بخشی از زیرمجموعه تعدیل‌های معرفی شده برای انتقال معنا و فرم در ترجمه کتاب مقدس می‌باشد. تعدیل‌ها در این مدل، شامل تعدیل معنایی و ساختاری بوده که تعدیل معنایی به دو گروه بسط و کاهش تقسیم شده است. بسط‌ها به نوبه خود به دو نوع تقسیم می‌شوند: بسط‌های واژگانی (معنایی) و بسط‌های نحوی (رسمی).

بسط‌های واژگانی، که نخستین دسته از این راهبردها را تشکیل می‌دهند، به سه گونه متمایز تقسیم می‌شوند:

گونه نخست، «طبقه‌بندی‌کننده‌ها» هستند که عمدتاً زمانی به کار می‌روند که یک واژه در زبان مقصد نیازمند اطلاعات معنایی تکمیلی است تا خواننده بتواند ساختار و کارکرد

آن را به طور دقیق تر درک کند. این نوع بسط معمولاً در قالب یک یا نهایتاً دو کلمه اعمال می شود. برای نمونه، در ترجمه واژه «نخل»، برای مخاطبی که به واسطه محیط زندگی خود ممکن است با این واژه آشنایی نداشته باشد، مترجم تصمیم می گیرد آن را به «درخت نخل» ترجمه کند و تنها با افزودن یک کلمه که نشان دهنده تعلق آن به یک طبقه خاص است، معنای آن را تا حدی برای مخاطب آشکار می سازد.

گونه دوم، «معادل سازی توصیفی» است که در آن، برای انتقال کامل معنا، از واژگان بیشتری در متن مقصد استفاده می شود و به عبارتی دیگر واژه مورد نظر در زبان مقصد توصیف می شود. این توصیف نسبت به نمونه قبلی تعداد واژگان بیشتری را در بر می گیرد. **گونه سوم، «بازسازی معنایی»** است که در مواردی به کار می رود که ساختار فشرده جملات در متن مبدأ نیازمند بسط قابل توجهی در زبان مقصد باشد تا معنای کامل آن ها منتقل شود (نایدا و تیر، ۲۰۰۳).

در کنار بسط های واژگانی، نایدا و تیر چهار نوع بسط نحوی را معرفی می کنند که بر اساس ساختار زبان مقصد شکل می گیرد:

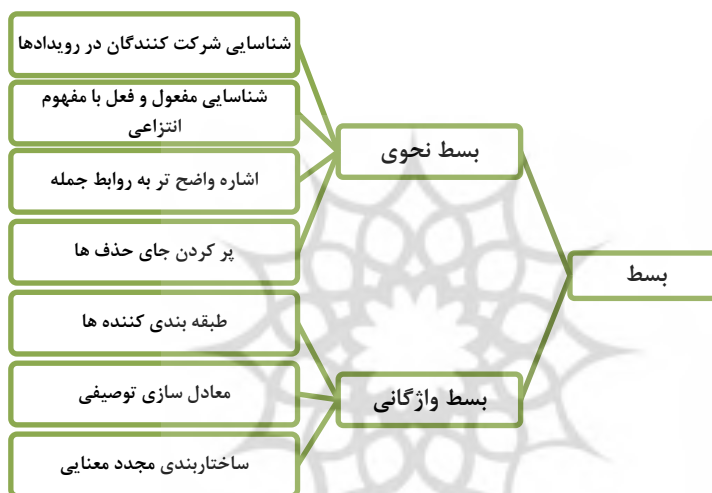
نخستین نوع، «شناسایی شرکت کنندگان در رویدادها» می باشد که طی آن، مشارکت کنندگان در جمله، به طور صریح مشخص می شوند. این فرایند اغلب مستلزم جایگزینی ضمائر با اسم های مرتبط با آن ها می باشد (نایدا و تیر، ۲۰۰۳).

نوع دوم، بسط نحوی، «شناسایی مفعول و فعل با مفهوم انتزاعی» بوده که می تواند از بسط های ساده تا پیچیده را شامل شود.

سومین نوع، بسط نحوی، «اشاره واضح تر به روابط در جمله» می باشد که نایدا و تیر معتقدند، روابط در یک زبان غالباً نیازمند بیان صریح تری در زبان دیگر هستند. «به عنوان نمونه، عبارت «عصبانی باش اما گناه نکن»، می تواند به، «حتی اگر عصبانی شدی، نباید گناه کنی» بسط یابد تا ارتباط منطقی بین دو بخش جمله روشن تر شود (همان: ۱۶۷).

چهارمین نوع، بسط نحوی، در قالب «پر کردن جای حذف‌ها» قرار می‌گیرد. از آنجا که الگوهای حذف در زبان‌های مختلف متفاوت است، مترجم باید با شناسایی موارد حذف در متن مبدأ و پر کردن مناسب آن‌ها در متن مقصد، به انتقال دقیق معنا کمک کند (همان: ۱۱۵). طبقه بندی انواع بسط بر اساس این رویکرد در شکل زیر نشان داده شده است:

شکل ۱: طبقه بندی انواع بسط بر اساس نظریه نایدا و تیبر (۲۰۰۳)



این چارچوب نظری، با ارائه طبقه‌بندی دقیق و روشمند، از انواع بسط‌های ترجمه‌ای که منشأ شکل‌گیری آن‌ها حاصل مطالعه در کتاب مقدس می‌باشد، می‌تواند ابزاری کارآمد برای تحلیل ترجمه‌های قرآن کریم فراهم آورد. اهمیت این مدل در آن است که امکان بررسی نظام‌مند و علمی راهبردهای مختلف بسط را در ترجمه‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند و چارچوبی منسجم برای تحلیل تطبیقی ترجمه‌ها ارائه می‌دهد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، با روش توصیفی-تحلیلی، به مطالعه بسط‌های واژگانی و نحوی در سه ترجمه فارسی سوره قیامت می‌پردازد. داده‌های پژوهش از طریق جداول تطبیقی، گردآوری شده

و مورد تحلیل کیفی قرار گرفته است. به منظور افزایش دقت و روایی پژوهش، جداول تحلیلی توسط سه متخصص حوزه ترجمه و زبان‌شناسی، مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفته و فرآیند کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها توسط دو پژوهشگر به شکل مستقل انجام شده است. در مرحله تحلیل، تمامی انواع بسط‌های واژگانی و نحوی در ترجمه‌های مورد مطالعه، شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. برای اطمینان از صحت تحلیل‌ها، علاوه بر بررسی متن اصلی و ترجمه‌ها، به تفاسیر معتبر نیز مراجعه شده است. روند پژوهش با استخراج آیات و ترجمه‌های منتخب آغاز شده و پس از تحلیل جامع بسط‌ها بر اساس مدل نایدا و تیبر (۲۰۰۳)، به مقایسه تطبیقی و تدوین یافته‌ها منتهی گردیده است.

انتخاب سوره قیامت برای بررسی بسط‌های واژگانی و نحوی در ترجمه، به‌ویژه از منظر نظریه نایدا و تیبر، به‌خاطر مضامین عمیق فلسفی و متافیزیکی آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. این سوره با پرداختن به مفاهیمی چون حالات انسان‌ها در لحظه مرگ و حوادث ماورای طبیعی روز قیامت، چالش‌های خاصی را در انتقال معانی به زبان مقصد ایجاد می‌کند. در نهایت، تنوع اسلوب‌های بیانی در این سوره، از جملات کوتاه و بلند، تا تعابیر استعاری، موجب می‌شود تا انتخاب سوره قیامت به‌عنوان یک موضوع خاص و مهم در بررسی بسط‌های معنایی و نحوی، موثر واقع شود.

در پژوهش حاضر، سه ترجمه شاخص قرآن کریم با درجات متفاوتی از دقت و آزادی در ترجمه برای بررسی بسط‌های معنایی و نحوی انتخاب شده است.

ترجمه فولادوند (۱۳۷۳)، با رویکردی تلفیقی و صرف سه دهه زمان، دقیق‌ترین روش را در پیش گرفته و توانسته توازنی مطلوب بین دقت در ترجمه و روانی متن ایجاد کند. ترجمه انصاریان (۱۳۸۳)، با رویکردی متوازن-تطبیقی با استفاده از توضیحات تکمیلی در پراکنش و حفظ تعادل بین متن اصلی و زبان فارسی، روشی میانه را برگزیده است. ترجمه الهی قمشه‌ای (۱۳۸۰)، که با رویکردی تفسیری-آزاد و عدم پایبندی به ترجمه واژه به واژه، آزادترین شیوه را در ترجمه اتخاذ کرده است.

انتخاب این سه ترجمه با رویکردهای متفاوت از دقیق تا آزاد، امکان بررسی جامع‌تری از استراتژی‌های ترجمه را فراهم می‌آورد. این انتخاب هدفمند و اعتبار علمی مترجمان به تحلیل دقیق استراتژی‌های ترجمه کمک می‌کند.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱- بسط‌های واژگانی

۴-۱-۱- معادل‌سازی توصیفی

معادل‌سازی توصیفی، یکی از راهکارهای مهم در نظریه‌های ترجمه می‌باشد که نایدا و تبیر در پیشبرد آن نقش اساسی داشته‌اند. در این راهبرد، مترجم به دلیل نبود معادلی دقیق در زبان مقصد، با توصیف معنای واژگان مبدأ، مفهوم را به مخاطب منتقل می‌کند. مثلاً در ترجمه آیه ۳۳ سوره قیامت، که نشان می‌دهد چگونه انکار حق و تکبر درونی در رفتار ظاهری انسان نیز نمود پیدا می‌کند، فولادوند واژه "یتمطی" را برای مخاطب فارسی زبان، در قالب توصیف بیان می‌کند:

متن مبدأ: ﴿ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّى﴾ (قیامت / ۳۳)

متن مقصد: سپس بسوی خانواده خود بازگشت در حالی که متکبرانه قدم برمی‌داشت! این نوع ترجمه با رویکرد معادل پویای نایدا (۲۰۰۳) همخوانی دارد که در آن هدف اصلی، انتقال پیام و ایجاد همان تأثیر بر خواننده زبان مقصد است که متن اصلی بر خواننده زبان مبدأ داشته است. در اینجا، مترجم با استفاده از معادل‌سازی توصیفی توانسته است فراتر از معنای لفظی کلمه رفته و بار معنایی و مفهومی آن را برای مخاطب فارسی‌زبان روشن سازد. چند نمونه از اینگونه معادل‌سازی‌های به کار رفته، توسط سه مترجم در ترجمه سوره قیامت را در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

جدول ۱: بسط‌های «معادل سازی های توصیفی» در ترجمه سوره قیامت

متن مبدأ	متن مقصد
﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ تُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾ (۴)	چرا در حالیکه تواناییم که {خطوط} سرانگشتانش را درست و نیکو بازسازی کنیم. (انصاریان)
﴿كَأَلَا لَا وَزَرَ﴾ (۱۱)	هرگز چنین نیست. راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد. (فولادوند)
﴿وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾ (۲)	و قسم به نفس پر حسرت و ملامت (قمشه‌ای)

۴-۱-۲- ساختار بندی مجدد معنایی

ساختار بندی مجدد معنایی، یکی دیگر از راهبردهای بسط در فرآیند ترجمه است. در این راهبرد، مترجم برای انتقال معنای دقیق متن مبدأ، ساختار معنایی را در زبان مقصد بازآفرینی می‌کند. این فرآیند، به جای ترجمه لفظ به لفظ، با گسترش لایه‌های معنایی واژه صورت می‌گیرد و عموماً طولانی‌تر از همه انواع دیگر بسط می‌باشد. این بسط، زمانی به کار می‌رود که معنی تحت‌اللفظی به تنهایی برای رساندن پیام کفایت نمی‌کند و مترجم، با توجه به پیش زمینه‌ای که در رابطه با موضوع دارد، تصمیم می‌گیرد با افزودن جملات و یا عبارات بیشتر آن را برای مخاطب قابل درک نماید. این نوع افزایش از دانش زمینه‌ای مترجم از بافت آیه صورت گرفته و غالباً با توجه به معنای ظاهری آیه و یا توصیف واژگان موجود، نمی‌توان آن را برداشت کرد. یکی از نمونه‌های این نوع بسط را در آیه زیر مشاهده می‌کنید:

متن مبدأ: ﴿كَأَلَا بَلْ تُجِبُونَ الْعَاجِلَةَ﴾ (قیامت / ۲۰)

متن مقصد: چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)؛ بلکه

شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را)!

در این نمونه، فولادوند از ساختار بندی مجدد معنایی استفاده کرده است. آنچه در این

مثال مشاهده می‌شود، صرفاً افزودن چند واژه توضیحی نیست؛ بلکه بازآفرینی کامل

ساختار معنایی آیه است. مترجم واژه "کَلَّا" که در اصل یک کلمه نفی ساده است، را با گسترش معنایی به «چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)»، تبدیل کرده است. همچنین واژه "العاجلة" که معنای اولیه آن "زودگذر" است، به عبارت گسترده‌تر «دنیای زودگذر (و هوسرانی بی‌قید و شرط)»، بسط یافته است. این روش ترجمه با افزودن توضیحات تکمیلی در پراکنش و بازسازی ساختار معنایی، لایه‌های عمیق معنا را با توجه به تفسیرهای موجود از آیات برای مخاطب فارسی‌زبان قابل درک کرده است. مثال‌های بیشتر در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: بسط‌های «ساختار بندی مجدد معنایی» در ترجمه سوره قیامت

متن مقصد	متن مبدأ
و قسم به نفس پر حسرت و ملامت (یعنی نفس انسان که در قیامت خود را بر تقصیر و گناه بسیار ملامت کند و حسرت خورد). (قمشه‌ای)	﴿وَلَا أَقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ﴾ (۲)
انسان می‌خواهد (با دست و پا زدن در شک و تردید) فرا رویش را (از اعتقاد به قیامت که بازدارنده‌ای قوی است) باز کند (تا برای ارتکاب هر گناهی آزاد باشد). (انصاریان)	﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ (۵)
(بگو:) در آن هنگام که چشم‌ها از شدت وحشت به گردش در آید. (فولادوند)	﴿فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ﴾ (۷)

۲-۴- بسط‌های نحوی

۲-۴-۱- شناسایی شرکت‌کنندگان در رویدادها

همانطور که پیش از این مطرح شد، این بسط نحوی از طریق شناسایی شرکت‌کنندگان، به شفاف‌سازی ساختار جمله و روابط دستوری می‌پردازد. در این روش، مترجم عناصری را که در متن اصلی به صورت ضمنی یا محذوف بیان شده‌اند، آشکارا در متن مقصد ذکر می‌کند.

در سوره قیامت این موارد به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف. مواردی که به صورت ضمنی با توجه به آیه موجود و یا موارد قبلی و بعدی آن مشخص می‌شود؛

ب. مواردی که با مراجعه به بافت آیه قابل تشخیص نیستند و مترجم با توجه به تفسیری که از بافت آیه داشته، این موارد را به جمله اضافه می‌کند.

نمونه‌ای از مورد دوم را در زیر مشاهده می‌کنید:

متن مبدأ: ﴿وَلَنْ أَهْوَ الْفِرَاقُ﴾ (قیامت / ۲۸)

متن مقصد: و بیمار خود یقین به مفارقت از دنیا کند (که ملک موت را به چشم ببیند).

(الهی قمشه‌ای)

در ترجمه این آیه که توصیف کننده لحظه مرگ می‌باشد، فاعل جمله، ذکر نشده است؛ اما قمشه‌ای با افزودن «بیمار»، فاعل ضمنی آیه را آشکار ساخته و با انتخاب این واژه به جای گزینه‌های دیگر، مانند «انسان» یا «شخص»، تصویری آسیب‌پذیر و ضعیف از انسان در لحظه مرگ ارائه می‌دهد. این تصویرسازی، لایه‌ای از تفسیر را به متن می‌افزاید که در نسخه اصلی به این صراحت وجود ندارد. نمونه‌های دیگری از این نوع بسط در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۳: بسط‌های «شناسایی شرکت‌کنندگان در رویدادها» در ترجمه سوره قیامت

متن مبدأ	متن مقصد
﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ﴾ (۲۰)	هرگز، بلکه شما (کافران لجوج) تمام دنیای نقد عاجل را دوست دارید. (قمشه‌ای)
﴿كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَافِيَ﴾ (۲۶)	چنین نیست که انسان می‌پندارد او ایمان نمی‌آورد تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد. (فولادوند)
﴿وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ﴾ (۲۷)	و [کسان بیمار] گویند: درمان کننده این بیمار کیست؟ (انصاریان)

۴-۲-۲- شناسایی مفعول و رویدادها با معنای انتزاعی

در این نوع بسط، سایر اجزای جمله، همچون مفعول و فعل که عموماً دارای مفاهیمی انتزاعی هستند، با افزودن کلماتی شفاف‌سازی می‌شوند. مثلاً در آیه زیر، قمشه‌ای در ترجمه خود مفعول‌های محذوف جمله را آشکار می‌کند:

متن مبدأ: ﴿وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى﴾ (قیامت / ۳۲)

متن مقصد: بلکه (خدا را) تکذیب کرد و (از حکمش) رو بگردانید.

وی برای فعل «کَذَّبَ» (تکذیب کرد)، مفعول «(خدا را)» و برای فعل «تَوَلَّى» (روی گرداند)، متعلق «(از حکمش)» را اضافه کرده است. این افزوده‌ها صرفاً یک تغییر نحوی ساده نیست، بلکه تصمیم‌های تفسیری مهمی است که بر درک خواننده از آیه تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، مترجم با افزودن «(خدا را)»، مشخص می‌کند که موضوع تکذیب، ذات خداوند است، نه صرفاً پیام یا آیات او. این انتخاب، بار معنایی سنگین‌تری به عمل تکذیب می‌بخشد و آن را از سطح انکار یک گزاره به انکار خالق هستی ارتقاء می‌دهد.

جدول ۴: بسط‌های «شناسایی مفعول و رویدادها با معنای انتزاعی» در ترجمه سوره قیامت

متن مبدأ	متن مقصد
﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ﴾ (۳)	آیا آدمی پندارد که ما دیگر ابد استخوانهای (پوسیده) او را باز جمع نمی‌کنیم؟ (قمشه‌ای)
﴿فَلَا صَدَقَ وَلَا صَلَّى﴾ (۳۱)	این به کام مرگ افتاده نه (دعوت پیامبر را) باور کرد و نه نماز خواند.
﴿وَوَظَنَ أَنَّهُ الْفَرَاقُ﴾ (۲۸)	به جدائی از دنیا یقین پیدا کند. (فولادوند)

۴-۲-۳- اشاره واضح‌تر به روابط اجزای جمله

این نوع بسط، در جملات مرکب صورت می‌گیرد که در این مطالعه، دو شیوه متمایز از آن در سوره قیامت بدست آمد (جدول ۷):

نمونه اول: رابطه بین آیه‌ای: در آیه ۲۴ و ۲۵ سوره قیامت، هیچ ادات ربطی بین دو آیه وجود ندارد؛ اما فولادوند برای نشان دادن رابطه علت و معلول بین دو آیه، کلمه "زیرا" را افزوده است. این افزوده نشان می‌دهد که "عبوس بودن چهره‌ها" (در آیه ۲۴) معلول "انتظار عذاب" (در آیه ۲۵) است.

متن مبدأ: ﴿وَجُوهٌ يُّؤْمِنُ بِآسَرَةٍ﴾ (قیامت / ۲۴)

متن مقصد: در آن روز صورت‌هایی عبوس و درهم کشیده است.

متن مبدأ: ﴿تَنْظُرُ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَافِرَةٌ﴾ (قیامت / ۲۵)

متن مقصد: زیرا می‌داند عذابی در پیش دارد که پشت را در هم می‌شکند! (فولادوند)

نمونه دوم: رابطه درون آیه‌ای: در این موارد، حرف ارتباطی، عموماً در ابتدای جمله وجود دارد و مترجم برای روشن شدن مطلب، توضیح بیشتری ارائه می‌دهد. مثلاً در آیه زیر «کلاً» در ابتدای جمله وجود دارد و فولادوند به خوبی با اضافه کردن نکاتی در پرانتز، مفهوم آن را برای مخاطب روشن می‌سازد.

متن مبدأ: ﴿كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ﴾ (قیامت / ۲۰)

متن مقصد: چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را)! (فولادوند)

در مجموع، هر دو نوع بسط، نشان‌دهنده رویکرد مخاطب‌محور در ترجمه است که هدف آن تسهیل درک متن برای خواننده فارسی‌زبان می‌باشد. فولادوند با این بسط‌های هوشمندانه، توانسته است ضمن حفظ وفاداری به متن اصلی، خوانش‌پذیری و فهم‌پذیری ترجمه را افزایش دهد.

جدول ۵: بسط‌های «اشاره واضح تر به روابط اجزای جمله» در ترجمه سوره قیامت

متن مبدأ	متن مقصد
﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ تُسْوِيَ بَنَانَهُ﴾ (۴)	بلی (استخوان‌های او را جمع می‌کنیم) در حالی که ما قادریم که سرانگشتان او را هم منظم درست گردانیم. (قمشه‌ای)
﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ﴾ (۲۴) ﴿تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ﴾ (۲۵)	و چهره‌هایی عبوس و درهم کشیده است. چون یقین دارند که در معرض عذابی کمرشکن قرار خواهند گرفت. (انصاریان)
﴿بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾ (۵)	(انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (فولادوند)

۴-۲-۴- پر کردن جای حذف در جملات

در فرآیند ترجمه از زبان مبدأ به مقصد، مترجم گاهی با چالش‌هایی مواجه می‌شود که ناشی از تفاوت‌های ساختاری و مفهومی میان دو زبان است. در برخی موارد، عناصری که در یک زبان به صورت ضمنی و غیرصریح قابل درک‌اند، در زبان دیگر نیازمند بیان مستقیم و صریح می‌باشند. در ترجمه سوره قیامت، نمونه‌هایی از این بسط‌ها را مشاهده می‌کنیم (جدول ۶). بیشتر بسط‌های این سوره، در حوزه افزودن فعل‌ها و به‌ویژه افعال ربطی در جملات فارسی است که نمونه آن را در ترجمه آیه زیر می‌بینید که در آن جمله اسمیه استفهامی ﴿إِنِ الْمَفْرُ﴾ نیازمند فعلی در زبان فارسی می‌باشد.

متن مبدأ: ﴿يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَئِنِّ الْمَفْرُ﴾ (قیامت/ ۱۰)

متن مقصد: در آن روز انسان گوید: (ای وای از سختی عذاب) کجا مفرّ و پناهی خواهد بود؟ (قمشه‌ای)

تفاوت ساختاری بین زبان عربی و فارسی در اینجا به تمایز اصلی در شیوه جمله‌سازی برمی‌گردد. زبان عربی قابلیت ساخت جملات اسمیه کامل بدون فعل ربطی را دارد؛ اما در فارسی امروز، فعل ربطی، عنصری ضروری در جملات اسنادی است. افزودن "خواهد بود" در ترجمه فارسی، علاوه بر تکمیل ساختار نحوی، بُعد زمانی (آینده) و قطعیت را نیز به جمله می‌افزاید که با محتوای آیه درباره وقایع قطعی روز قیامت همخوانی دارد.

جدول ۶: بسط‌های «پر کردن جای حذف در جملات» در ترجمه سوره قیامت

زبان مبدأ	زبان مقصد
﴿كَأَلَّا وَزَرًا﴾ (۱۱)	هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد! (فولادوند)
﴿وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ﴾ (۲۴)	و چهره‌هایی عبوس و درهم کشیده است. (انصاریان)
﴿إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ﴾ (۳۰)	در آن روز خلق را به سوی خدا خواهند کشید. (قمشه‌ای)

۴-۳- مقایسه رویکردهای مترجمان

داده‌های حاصل از تحلیل سه ترجمه (فولادوند، انصاریان و قمشه‌ای)، نشان می‌دهد که قمشه‌ای در استفاده از بسط‌های ترجمه‌ای به‌طور کلی بیشتر از دیگر مترجمان عمل کرده است. در بسط‌های نحوی، قمشه‌ای با ۴۱.۷٪، بالاترین درصد استفاده از بسط‌ها را داشته؛ در حالیکه این میزان در ترجمه‌های انصاریان ۳۲.۲٪ و در ترجمه‌های فولادوند ۲۶.۱٪ بود؛ به‌ویژه در شفاف‌سازی فعل و مفعول با مفاهیم انتزاعی، قمشه‌ای با ۲۰٪ بالاترین میزان استفاده را داشته؛ در حالیکه این مقدار در ترجمه‌های انصاریان ۱۰.۴٪ و در ترجمه‌های فولادوند ۶.۱٪ بود.

در دیگر انواع بسط‌های نحوی، مانند «پر کردن موارد حذف» و «آشکارسازی روابط جمله»، انصاریان بیشترین درصد را به خود اختصاص داد (نمودار ۱).

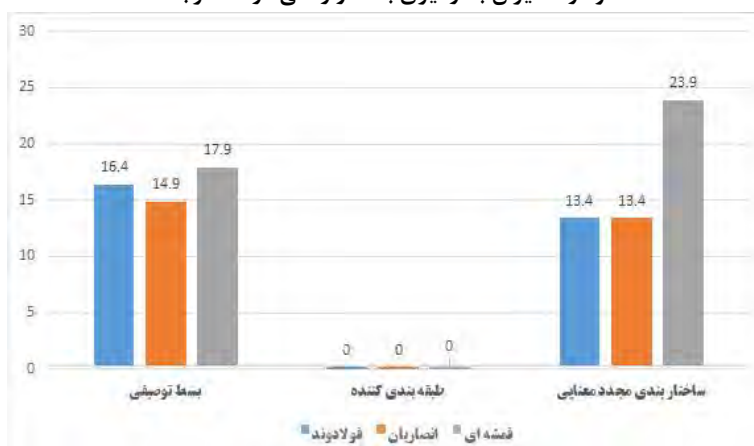
نمودار ۱. میزان به کارگیری بسط نحوی در سه ترجمه



در بسط‌های واژگانی، باز هم قمشه‌ای در بسط «ساختاربندی مجدد معنایی» با ۲۳.۹٪ بیشترین میزان کاربرد را داشته؛ در حالیکه میزان آن برای فولادوند و انصاریان هر دو برابر با ۱۳.۴٪ بود. به همین ترتیب، در «بسط توصیفی»، قمشه‌ای با ۱۷.۹٪ بیشتر از دیگر مترجمان از این روش استفاده کرده است. نکته قابل توجه این بود که هیچ نمونه‌ای از بسط طبقه‌بندی کننده، در سه ترجمه مورد بررسی، مشاهده نشد.

در مجموع، ترجمه قمشه‌ای با ۸۳.۵٪ بیشترین میزان استفاده از بسط‌های ترجمه‌ای را نسبت به فولادوند (۵۶٪) و انصاریان (۶۰.۶٪) نشان داد (نمودار ۲). این درصد بالاتر در قمشه‌ای نشان‌دهنده گرایش بیشتر او به گسترش و بسط مفاهیم در ترجمه است که با رویکرد ترجمه‌ای وی نیز کاملاً منطبق می‌باشد.

نمودار ۲. میزان بکارگیری بسط واژگانی در سه ترجمه



۶- نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- ۱- یافته‌های این پژوهش، الگوهای متمایزی را در استفاده از بسط‌های معنایی و نحوی در ترجمه‌های فارسی سوره قیامت نشان داد. عدم استفاده از بسط طبقه‌بندی‌کننده در هر سه ترجمه بررسی شده (قمشه‌ای، انصاریان، و فولادوند)، با مطالعه یاری و زندیان (۲۰۲۱) درباره ترجمه انگلیسی سوره ذاریات هم‌خوانی دارد که تنها در دو ترجمه پیکتال مشاهده شد. این امر، نشان‌دهنده کاربرد محدود این نوع بسط در ترجمه قرآن در مقایسه با کتاب مقدس است.
- ۲- بسط‌های نحوی نسبت به بسط‌های واژگانی برتری نسبی داشتند. بسط‌های توصیفی و راهبردهای تکمیل حذف در سطح جمله، به‌عنوان ارکان ضروری در ارتقای خوانایی و انتقال دقیق معانی قرآنی به زبان فارسی شناخته شدند. این راهبردها، به‌ویژه در شفاف‌سازی ساختارهای پیچیده آیات، نقش کلیدی ایفا کردند.
- ۳- بررسی رابطه میان رویکردهای ترجمه‌ای و انواع بسط‌ها نشان داد که رویکرد تفسیری-آزاد قمشه‌ای، منجر به بیشترین استفاده از بسط‌های واژگانی و نحوی شده است. این یافته با نتایج ابراهیمی و همکاران (۲۰۱۴)، که قمشه‌ای را پس از مشکینی در رتبه دوم افزوده‌های تفسیری قرار داده بود، هم‌راستاست.

۴- در مقابل، فولادوند با رویکردی محتاطانه، کمترین دخالت را در متن اصلی نشان داد و بر حفظ ساختار معنایی آیات تمرکز داشت. این نتیجه با یافته‌های زندرچیمی (۲۰۱۹)، که فولادوند را دارای بیشترین افزوده‌ها معرفی کرده بود، در تناقض است. این تناقض، احتمالاً ناشی از تفاوت‌های زبان‌شناختی فارسی و انگلیسی و روش‌شناسی‌های متفاوت است.

۵- بسط‌های نحوی، به‌ویژه در شفاف‌سازی مفعول، فعل و پر کردن موارد حذف، نقش محوری در انتقال دقیق معانی و ساختار نحوی سوره قیامت داشتند. بسط ساختاربندی مجدد معنایی نیز در انتقال مفاهیم عمیق‌تر آیات برجسته بود و نسبت به مطالعه یاری و زندیان (۲۰۲۲)، که تنها ۵ درصد از تعدیل‌ها را شامل می‌شد، افزایشی تا ۱۵ درصد نشان داد.

۶- تفاوت در کاربرد بسط‌ها، به آشنایی عمیق مترجمان ایرانی (انصاریان و قمشه‌ای با تحصیلات حوزوی و فولادوند با دانش ادبیات عرب) با تفاسیر و روایات اسلامی نسبت داده می‌شود. این دانش، به مترجمان امکان داده تا ترجمه‌هایی با خوانایی بالاتر و درک عمیق‌تر برای مخاطبان فارسی‌زبان ارائه دهند.

۷- محدودیت‌های پژوهش شامل تعداد محدود ترجمه‌های بررسی‌شده (سه ترجمه فارسی) و عدم امکان تعمیم کامل نتایج به سایر سوره‌های قرآن است. همچنین، فقدان تحلیل آماری دقیق درباره فراوانی بسط‌های طبقه‌بندی‌کننده در چارچوب نایدا و تیر، امکان مقایسه‌ی جامع را محدود کرد.

۸- پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، به بررسی تطبیقی راهبردهای بسط در سایر سوره‌ها، تحلیل آماری دقیق‌تر فراوانی و تأثیر بسط‌ها بر درک و خوانایی متن و کاوش نقش عوامل فرهنگی-مذهبی در انتخاب بسط‌ها بپردازند. همچنین، مطالعات بین‌زبانی برای مقایسه‌ی راهبردهای بسط در ترجمه‌های قرآن به زبان‌های مختلف، مانند عربی، انگلیسی و فرانسه، می‌تواند به درک جامع‌تر این پدیده کمک کند.

۷- منابع

*قرآن کریم

- ۱- الهی قمشه‌ای، مهدی، قرآن کریم، انتشارات فاطمه زهرا، قم، (۱۳۸۰ش).
- ۲- فولادوند، محمد مهدی، قرآن کریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، (۱۳۷۳ش).
- ۳- انصاریان، حسین، قرآن مجید، انتشارات اسوه، قم، (۱۳۸۳ش).
- ۴- ابراهیمی، ابراهیم، طهماسبی بلداجی، اصغر، محمدی نبی کندی، باب الله، «تحلیل و بررسی افزوده‌های تفسیری در شش ترجمه معاصر قرآن کریم (با محوریت سوره اسراء)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۴ (۱۱)، ۸۳-۱۱۲، (۱۳۹۳ش).
- ۵- زندرحیمی، مینا، «بررسی مقایسه‌ای افزوده‌های تفسیری در ۵ ترجمه معاصر فارسی و انگلیسی»، زبان پژوهی، ۱۰ (۲۹)، ۱۱۷-۱۴۹، (۱۳۹۷ش).
- ۶- هاشمی، انسیه سادات، «نقد و بررسی کاربست نظریه نایدا در ارزیابی ترجمه‌های قرآن»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۱۱ (۲۵)، ۲۸۵-۳۰۹، (۱۴۰۰ش).

DOI:10.22051/TQH.2021.36308.3233.

- 7- Abdul-Raof, H. Qur'an Translation: Discourse, Texture and Exegesis. Routledge, (2001).
- 8- Davoudi, E. Addition as a translation adjustment technique in the selected English translations of implicit direct object ellipsis in the Holy Quran. Ph.D. Thesis, University of Malaysia, (2015).
- 9- Jabak, O. O. Application of Eugene Nida's theory of translation to the English translation of Surah Ash-Shams. TranscUlturAl: A Journal of Translation and Cultural Studies, 12(2), 3-18, (2020).
- 10- Sajjadi, M. S., & Manafi Anari, S. Evaluations of English translation of the Qur'an. Islam Azad University Publications, (2008).
- 11- Nida, E. A., & Taber, C. R. The theory and practice of translation (4th ed.). Brill, (2003).
- 12- Yari, A., & Zandian, S. Adjustments in the Quran Translation Based on Nida and Taber's Model (A Case Study of Three Translations of Az-Zariyat Surah). Applied Research on English Language, 11(1), 1-20, (2022).
<https://doi.org/10.22108/are.2021.130075.1766>.